

تفسیر سورای دهر

بخش پایانی



دکتر سید محسن میرباقری

«انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً».

از این آیه به بعد، فصل جدیدی در سوره‌ی دهر باز می‌شود و در حقیقت مطلب اول سوره را از سر می‌گیرد. در آغاز سوره فرمود: «ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم که او را بیازماییم...» با این مقدمه، زندگی دنیا را به عنوان یک دوره‌ی آموزش و آزمون معرفی کرد و در پی آن، مردم را در این کلاس درس به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ای ناسپاسان «کفور»ند که گرفتار عذاب الهی خواهند شد. دسته‌ی دوم «ابرار»ند که به بهشت رضوان راه می‌یابند و اما دسته‌ی سوم که عموم آیات سوره تا این مرحله درباره‌ی آنان است، اهل بیت رسول اکرم (ص) هستند که از آنان با عنوان «عبادالله» یاد شده است. اینک مجدداً به بحث تربیت و تعلیم می‌پردازد و از نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید و آن حضرت را به صبر و پایداری در مسیر رسالت دعوت می‌کند و می‌فرماید: «انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً، فاصبر لحکم ربک و لا تقطع منهم انما اؤکفورا» [۲۴ و ۲۳]: این خود ما هستیم که قرآن را بر تو تنزیل کردیم. پس در برابر فرمان پروردگارت پایداری و بردباری کن و از زورگویان و ناسپاسان مردم فرمان میر.

آن گاه درباره‌ی نماز که محور اعمال در بندگی

خدای رحمان است، فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «واذکر اسم ربک بکرة و اصیلاً و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً» [۲۶ و ۲۵]: صبح و عصر نام پروردگارت را ذکر کن و از آغاز شب ساعتی را برگزین و برای پروردگارت نماز کن و در پایان شب با تسبیح طولانی برای نافله برخیز.

در آیات فوق، قسمت اول، یعنی عبارت «فاسجد

له»، به نماز مغرب و عشا مربوط می‌شود [مجمع البیان، ذیل آیه ی ۲۶ سوره ی دهر] و قسمت آخر که با عبارت «سبحه» آمده، درباره‌ی نماز شب است. حدیث زیر در این زمینه قابل توجه است.

روی عن الرضا(ع): انه سأله احمد بن محمد عن هذه الاية و قال ما ذلك التسييح قال: «صلاة الليل» [پیشین].

در ادامه ی بحث، بی توجهی بسیاری از مردم به حکمت آفرینش دنیا و نتیجه ی این دوره در آخرت را بازگو می‌کند و می‌فرماید: «ان هولاً يحبون العاجله و يذرون ورائهم يوماً ثقیلاً»: این مردم کافر زندگی نقد دنیا را ترجیح می‌دهند و روز سنگین و سهمگین را پشت سر او می‌گذارند.

از آیه ی فوق این نکته روشن می‌شود که زندگی دنیا برای آخرت آفریده شده و در حکم مزرعه ی آخرت است. مانند محیط دانشگاه است که برای هدف تعالی دانشجو و بهره‌وری از آن در آینده ی زندگی، طراحی شده است. حال مردم دنیا دوست، مانند دانشجویی است که خود را به امکانات محیط دانشگاه چنان سرگرم می‌سازد که درس و بحث را فراموش می‌کند و روز اعلام نتیجه را در پایان دوره، به کلی به فراموشی می‌سپارد. ضمناً این نکته را متذکر می‌شود که روز اعلام نتایج، روز سخت و سنگینی است و فراموشی آن موجب خسران و زیانمندی انسان خواهد بود.

«نحن خلقناهم و شددنا اسرهم و اذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلاً» [۲۸]: ما ایستیم که اینان را آفریده ایم و تار و پودشان را به هم بافته ایم و هرگاه بخواهیم آنان را از میان می‌بریم و به جای آنان مردمی دیگر می‌آوریم.

«اسر» به معنای بستن یا بند است و «اسیر» کسی است که در بند بسته شده است. مراد از «شددنا اسرهم» آن است که بندها و مفاصل آدمیان را محکم کرده ایم. آیه ی فوق تذکری برای غافلان و ناسپاسان است که چرا خلقت و آفرینش خود را فراموش می‌کنند. توانمندی بدن خود را که نتیجه ی شدت پیوستگی مفاصل و اعضای بدن آنان به تقدیر خدای رحمان است، نادیده می‌گیرند و به برنامه ی تربیتی الهی بی توجه می‌شوند!

در ادامه ی آیات می‌فرماید: «ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلاً. و ما تشاءون الا ان يشأ الله ان الله كان عليماً حكيماً يدخل من يشأ في رحمته و الظالمين

أعد لهم عذاباً الیماً» [۲۹، ۳۰ و ۳۱]: این (قرآن و این حقایقی که از عالم آخرت بیان کردیم) یادآور و تذکره است. با دریافت قرآن، هر که بخواهد می‌تواند راهی به سوی پروردگار خود باز کند، و شما نمی‌خواهید مگر آن که خدا بخواهد. خدای رحمان دانا و حکیم است و هر که را بخواهد در رحمت خود جای دهد و برای سیه کاران عذاب دردناکی فراهم کرده است.

در آیات فوق که فصل پایانی سوره است و در حقیقت نتیجه ی نهایی را بیان می‌کند، به نکات زیر اشاره شده است: ۱. این بیانات و حقایق مطرح شده در قرآن کریم، مایه ی هدایت است، حقیقت را بر مردم روشن می‌کند و راه را از چاه نشان می‌دهد.

۲. اما رفتن به راه حقیقت، باید با مشیت و خواست خود مردم صورت گیرد: «فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلاً». راه گرفتن به سوی پروردگار بزرگ و تقرب به او، باخواست خود انسان انجام می‌شود و حالت جبر و عدم اختیار ندارد. در حقیقت مطلب مطرح شده در این آیه، در ردیف مطلب این آیه است: «و قل الحق من ربکم فمن شأ فليؤمن و من شأ فليکفر انا اعتدنا للكافرين نارا» احاط بهم سراقها...» [کهف/۲۹]: بگو، این قرآن با آیات غیبی و اخبار نهانی، همه برحق است و از جانب پروردگارتان آمده است؛ هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود. ما برای کافران آتشی را مهیا کرده ایم که چون سراپرده بر سر آنان احاطه دارد...

۳. مشیت انسان به مشیت الهی وابسته است و می‌فرماید: «نمی‌خواهید مگر آن که خدا بخواهد». در این باره، معانی زیر مطرح هستند:

الف) خداوند خواسته است که شما صاحب مشیت باشید و بتوانید چیزی بخواهید یا نخواهید. و اگر او نخواهد که شما دارای مشیت باشید، نمی‌توانید مشیت داشته باشید و اکنون که دارای مشیت هستید، نشانه ی مشیت الهی بر اختیار و مشیت شماست.

ب) شما برای اتخاذ راه به سوی خدای رحمان نمی‌توانید هر راهی را انتخاب کنید، بلکه تنها راهی شما را به سوی خداوند می‌رساند که او هم آن راه را خواسته باشد. بنابراین، با کارهای اختراعی و از نزد خود-مانند بسیاری از کارهایی که مدعیان عرفان و متصوفه انجام می‌دهند- نمی‌توانید به سوی خداوند راه برگزید.

ج) گویا انسان با مشیت الهی صاحب مشیت

می شود و به مشیت الهی اعمال مشیت می کند. به این معنی که مشیت انسان باید براساس مشیت خداوند شکل گیرد، وگرنه کارساز نخواهد بود. در این جا ضروری می نماید که معنا و منظور از مشیت روشن شود. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «خلق الله المشیة بنفسها ثم خلق الاشیاء بالمشیة» [الاصول من الکافی، کتاب التوحید، باب الارادة آنها من صفات الفعل، حدیث ۴]: خداوند مشیت را به خودی خود آفرید. آن گاه همه ی پدیده ها را با مشیت آفرید.

براساس این حدیث، این نظر بسیار دقیق و صحیح می نماید که: «نوامیس و قوانین طبیعت همان مشیت و ابداع الهی است و فرمول های شیمیایی و فیزیکی و... جلوه ای از مشیت خدای بی چون است... ذات اقدس احدیت نوامیس طبیعت را به خودی خود ابداع کرده است. این ابداع به عالم امر مربوط است. در مقابل آن، عالم خلق و ایجاد قرار گرفته که زاینده ی همین ابداع است [معارف قرآن، رساله ی جبر و اختیار: ۳۴۸].

با این نگاه، خدای رحمان قانونمندی ها را مستقلاً آفریده است، ولی هرچیز دیگری را در عالم، براساس قانونمندی های موجود در عالم خلقت پدیدار کرده است. با این توضیح، ما مجبور نیستیم، چون دارای مشیت و اراده هستیم. از طرف دیگر، ما راها شده هم نیستیم که هر خواسته ای را بتوانیم محقق سازیم، بلکه باید براساس قانونمندی های الهی و از طریق آن ها به خواسته ی خود برسیم. معنای عبارت «و ما تشاءون الا ان یشاء الله» این خواهد بود که تا خداوند راه مشیت و قانونمندی طبیعت را در اختیار شما نگذارد، شما نمی توانید راهی به سوی برگزید. اگر بخواهید راهی به سوی جلو داشته باشید، باید از پایی که خدای رحمان در اختیار شما قرار داده است و براساس قانونمندی ها حرکت می کند، استفاده کنید و...

توضیح این معنی از مشیت الهی را می توانید در نوشته ی استاد محمدباقر بهبودی به تفصیل ملاحظه کنید [همان، ص ۳۶۹-۳۴۷]. هم چنین، حدیث زیر درباره ی مشیت بسیار روشنگر است.

احمد بن زنی، از مشایخ و بزرگان علم حدیث است. روزی خدمت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می رسد و موضوع جبر و اختیار را مطرح می کند. امام می فرماید بنویس: قال الله تبارک و تعالی: «یا بن آدم، بمشیتی کنت انت الذی تشأ لنفسک ما

تشأ، و بقوتی اذیت الی قرائضی، و بنعمتی قویت علی معصیتی جعلتک سمیعاً بصیراً قویاً. ما اصابتک من حسنة فمن الله و ما اصابتک من سیئة فمن نفسک و ذلك انی اولى بحسناتک منک. و انت اولی بسیئاتک منی و ذلك انی لا أسأل عما افعل و هم یسئلون. «قد نظمتک کل شیء» ترید [الاصول من الکافی، کتاب التوحید، باب المشیت و الاراده، ح ۶؛ توحید صدوق (مترجم): ۵۳۰].

ترجمه: خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای فرزند آدم، با مشیت من است که تو صاحب مشیت شده ای و برای خود چیزهایی می خواهی و با نیرویی که در اختیارت نهاده ام، دستورات مرا انجام می دهی و با نعمت های من بر عصبان من نیرو گرفته ای. تو را شنوا و بینا و توانا آفریدم. آن چه از نیکی بر تو وارد آید، از جانب خداست و آن چه بدی به تو وارد شود، از ناحیه ی توست. از این رو که من به دستاوردهای نیکت سزاوارترم (چون من نیروی مشیت را در اختیارت نهادم) و تو به دستاوردهای شومت سزاوارتری (چون نیروی مرا بر خلاف پیشنهاد و راهنمای من به کار بستی). از این رو من مورد بازخواست نیستم (که چرا قدرت و نیرو بخشیدم) و همگان بازخواست می شوند (که چرا با نیروی موهبتی من نافرمانی کردند). آن چه لازم بود و حقیقت مطلب را روشن می کرد، برایت به نظم کشیدم.

جمله ی اول حدیث برابر آیه ی شریفه مورد بحث است که: «به مشیت خداوند، انسان می خواهد هرچه را که برای خود می خواهد.» پس ما اگر بخواهیم راهی به سوی خدای رحمان برگزیریم، باید از مشیت و قانونمندی های الهی استفاده کنیم و هرکاری را بخواهیم به انجام برسانیم، باز هم از مشیت الهی استفاده می کنیم.

نکته ی دیگر آیه این است که خداوند علیم و حکیم است. پس همه ی مشیت ها و کارهای او بر اساس علم و حکمت خواهد بود. خدای حکیم، هرکه را بخواهد در رحمت خود وارد می کند و برای ظالمان عذابی دردناک مهیا کرده است. از تقابل دو جمله ی «یدخل من یشأ فی رحمة» و «والظالمین اعد لهم عذاباً الیماً» روشن می شود، آنان که در رحمت الهی وارد می شوند، باید ظالم نباشند و نفس خویش را با شرک و کفر و گناه، به ظلمت و تباهی نبرند؛ هم چنان که می فرماید: «و رحمتی وسعت کل شیء فسا کتبها للذین یتقون و یوتون.»